

سَمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اللّٰهُمَّ سَدِّدِ السُّنَّتِنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحَكْمَةِ

خوشامد عرض می‌کنم به همگی برادران و خواهران، و تشکر می‌کنم از شرکت حضار محترم در این کار دستجمعی بسیار بااهمیت. همچنین تشکر و ژوهای دارم از سخنرانان و سخنگوها که آنهایی که مطالبی را عرضه کردند، چه آنهایی که اعتراضاتی را بیان کردند. از رؤس و مدیر برنامه، جناب آقای دکتر واعظزاده هم صمیمانه تشکر می‌کنم؛ هم به خاطر ادارهی خوب این جلسه، و هم به شتر به خاطر تمهید و سازماندهی اساسی که برای شکل و محتوای این جلسه، ایشان به کمک یک جمعی در طول چند ماه انجام دادند.

هدف از این جلسه و این نشستها، تبادل نظر عالمانه با جمعهای نخبگانی است دربارهی مسائل اساسی کشور. اگر گفته می‌شود اندیشه‌های راهبردی، بلکه در واقع سعی بر این است که به کمک اندیشه پرسش‌ها و منتها می‌توان تقسیم کرد، تنوع کرد؛ اندیشه در باب عدالت، اندیشه در باب زن و خانواده؛ بعد فهرست طولانی‌ای دارد که در حدود بیست و چند موضوع که هر کدام از آنها عنوان اندیشه و روش دارد؛ اندیشه‌ها به این لحاظ است و آلابنا بر این است که این جمع نخبگانی با روش فکری و معنوی و کمکی که به اسلام و نظام جمهوری اسلامی خواهند کرد، انشاءالله در هر زمینه‌های به یک نظر واحد و یک اندیشه واحد برسیم.

البته در این جلسات، عرض این نیست که ما از صفر تا صد یک موضوع را بررسی کنیم - که عملی هم نیست - غرض، باز شدن راه مواجهه با مسائلی است که برای یک کشور و برای آینده مطرح است. می‌خواهیم بخصوص از جهات نظری گشایشی بشود، راهی باز شود، تا نخبگان کشور، مغزهای فعال کشور و مجربان در هر رشته‌ای بتوانند سهمی بر عهده بگیرند برای انعقاد یک فکر صحیح، که قاعده‌های اجرا و عمل و برنامه‌ریزی خواهد شد؛ قصد این است. هم در عرصه‌های نظری، ما نقاط ضعفی داریم، نقاط قوتی داریم؛ هم در عرصه‌های کاربردی، نقاط ضعفی داریم، نقاط قوتی داریم؛ اینها در این جلسات شناخته می‌شود. با بحثی که صاحب‌نظران و مجربان هر رشته‌ای با یکدیگر بر معلومات و دستاوردهای علمی خود می‌کنند، ما می‌توانیم نقاط قوت خودمان را تشخیص بدهیم و نقاط ضعف خودمان را هم تشخیص بدهیم و درصدد اصلاح بپردازیم. می‌خواهیم آن نقاط رخنه‌پیدا را نقاط سست را ترمیم کنیم، اصلاح کنیم و ضعفها را برطرف کنیم.

با بداندیم در حوزه‌های نظری پیردازی، کجا جلو می‌رویم، کجا عقب می‌مانیم. یک جاهایی واقعاً ما جلو هستیم، در یک مواردی هم واقعاً عقب می‌مانیم. در همه زمینه‌های مسئله‌های زن، این همه منابع و تعالیم اسلامی در دسترس ماست: آيات کریمه‌ای قرآنی که آياتی که مستقیماً به این مسئله ارتباط پیدا می‌کند، و چه آياتی که با کلیت خود، با عموم و اطلاق خود شامل این مورد می‌شود، در اختیار ماست؛ اینها را باید تصور کنیم؛ به شکل نظرهای و مجموعه‌های قابل‌تعمق، قابل‌استفاده و قابل‌استنتاج در بر آوریم و در اختیار همه بگذاریم؛ هم در اختیار خودمان برای برنامه‌ریزی، هم در اختیار مخالفین، هم در اختیار استفسارکنندگان؛ که اشاره کردند و درست است. امروز در دنیا استفسارکنندگان و سؤال‌کنندگان از نظرات جمهوری اسلامی - که تجربه‌های سی‌ساله‌ای را با خود دارد - زیاد شده‌اند. البته شما هم قاعدتاً اطلاع دارید، ما هم از کلانش اطلاع داریم؛ زیاد مراجعه می‌کنند، زیاد پرسند، در موضوعات مختلف زیاد می‌خواهند بدانند، که در جمهوری اسلامی چه چیزی وجود دارد. خوب، اینها را باید برای آنها فراهم کرد.

قبلاً دو تا نشست داشته‌ایم: یک نشست مربوط به الگوی اسلامی - آرائی به شرف بود، یک نشست هم مربوط به عدالت بود؛ که اگرچه دو موضوع جداگانه هستند، اما در طول هم می‌آیند. کارهای خوبی انجام گرفته. من می‌دانم برادران و خواهران این را بدانند؛ چون در کاری که از حالا به بعد می‌خواهیم نسبت به موضوع آمشب داشته باشیم، تأذیر می‌گذارد. بدانید کار با جدیت پیش می‌رود. آقای دکتر واعظزاده اشاره کردند. تفصیل کارهایی که شده، بیش از آن مقداری است که حتی ایشان به عنوان گزارش گفتند؛ چون بنای بر اختصار داشتند. کارهای جدی خوبی شده. بخصوص این مرکزی که برای الگوی اسلامی - آرائی به شرف تشکیل شد، با کمک محققین مشغول کارهای بسیار خوبی است. در واقع این جلسات هر کدام بذری را در یک سرزمین مستعدی می‌پاشد. آری این سرزمین به عهده‌های عواملی است که بعضی‌ها حالا تمهید شده‌اند، بعضی‌ها هم در فکر هستیم که انشاءالله تمهید بشوند. البته فضای عمومی جامعه هم کمک می‌کند تا بیابد. ما خیلی عجله هم نداریم. البته ما می‌کارها سرچشمه برود - معنی با تنبلی و عقبماندگی و اینها هیچ موافق نیستیم - اما شتابزدگی در کار نیست. ما نمی‌خواهیم شتابزده کار کنیم؛ می‌خواهیم کار، متین، عمیق، ماندگار، قابل عرضه و قابل دفاع از آب دریا. انشاءالله این جلسات - هم این جلسه، هم دو جلسهی قبلی - این نقش را ایفا خواهد کرد؛ من یک اطمینانی به این معنا دارم.

مسئله‌های زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه‌ی یک است. دوستان، خانمها و آقایانی که آمدند صحبت کردند،

۱ بن معنا را ثابت کردند. ه چ لزومی ندارد که ما بش از آنچه شما گفته د و خ لمی وس ع و خوب ب ان کرد د، چ زی بگوئ م. خود ا بن بانان نشان داد که مسئله بس ار مهم است. اولاً نقش و سهم بانوان در نظام، ک نقش فوقالعاده و ممتاز است؛ همچنان که در اصل انقلاب، نقش بانوان ممتاز بود. حالا شا د جوانهای عز زی که در جلسه هستند و در دوران مبارزات نبودند ا در دوران انقلاب نبودند، نه دانند آنجا چه اتفاقی افتاد؛ جز از طریق گزارشهایی که همایش هم متأسفانه ناقص است. همهی گزارشهایی که از دوران مبارزه و دوران انقلاب ب رون آمده، گزارشهای ناقص و کجانبه و کوتاه است. ک کار بزرگی هم در ا بن زم نه دار م، که اگر چه جزو اند شهبای راهبردی ن ست، اما جزو کارهای راهبردی است و انشاءالله با د دنبال شود. آن کسانی که سابقه دارند، م دانند که زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم بخصوص در همان دوران انقلاب - یعنی آن ک سال و ن می که حرکت انقلابی عمومی شروع شد - نقش داشتند. زنان ک نقش مؤثر و بجا گز بن داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی ا بن اجتماعات، بلاشک ا بن اجتماعات عظم و ا بن تظاهرات عظم، آن اثر را نه بخش د؛ علاوه بر ا نکه در بعضی جاها مثل مشهد ما، اصلاً شروع ا بن تظاهرات، از زنان شد. یعنی اول بن حرکت عمومی مردمی، ک حرکت زنانه بود. البته مورد تعرض پل س هم قرار گرفتند. بعد از آن بود که حرکتی مردانه راه افتاد. هم در مبارزات ا بنجور بود، هم در ا فای نقش در تشک ل نظام، هم در دوران سرعت پد ا آمده بعد از تشک ل نظام؛ یعنی دوران جنگ، دوران محنت، دوران امتحان سخت «حتی اذا ضاقت عل هم الأرض بما رحبت» (۱) اوضاع و احوال در دوران جنگ سخت شد. حالا بعضیها جنگ را از تلو ز ون و راد و و ا نها م شنفتند، بعضیها با جسم و جان و تن خودشان توی م دان جنگ بودند. ا بن گزارشهای پر از حماسه و شور که از جنگ داده م شود، همایش هم درست است - من چون خ لمی از ا بن کتابهای مربوط به خاطرات رزمندگان را م خوانم، م دانم همهی ا نها درست است - آن شور و شوق و آن عشق به مجاهدت و شوق به شهادت و عدم ب م از مرگ و ا نها، همایش هم نی است که توی گزارشها هست و درست است؛ مکن نگاه کلان به جنگ، ک نگاه کاملاً محنتبار بود. خب، آن گردانی که جلو با شوق و ذوق دارد م جنگد، او که نه دانند توی قرارگاه اصلی نسبت به مجموعهی جبهه چه حالتی وجود دارد، چه ضعفهایی هست، چه نگرانها و دغدغههای جدی است و پشت سر قرارگاه اصلی، در سطح کلان، در کشور، چه کمبودهایی، چه دلهرههایی وجود دارد. دوران سختی بود. در ا بن دوران سخت، نقش زنان، ک نقش فوقالعاده بود؛ نقش مادران شهدا، نقش همسران شهدا، نقش زنان مباشر در م دان جنگ، در کارهای پشته بانی و بعضاً بندرت در کارهای عمل ا تی و نظامی - که من بخش کارهای پشته بانهاش را خودم از نزد ک در اهواز د دم - ک نقش فوقالعاده بود. زنها حتی در بخشهای نظامی هم فعال بودند؛ هم بن نوشتهی خانم حس نی - ۱۵ - ا بن نشان م دهد. ا نها ک مجموعهی کاری است که واقعاً با ه چ مع اری، با ه چ تراژوئی قابل اندازهگ ری ن ست. مادر، مادر شه د، مادر دو شه د، مادر سه شه د، مادر چهار شه د؛ شوخی ن ست؛ ا نها به زبان آسان م آ د. بچهی انسان سرما م خورد، دو تا سرفه م کند، چقدر نگران م شو م؟ ک بچهی انسان برود کشته بشود، دومی برود کشته بشود، سومی برود کشته بشود؛ شوخی است؟ و ا بن مادر با همان احساسات مادرانهی سالم و جوشان و پرفوران، آنچنان نقشی ا فاء کند که صد تا مادر د مگر تشوق بشوند بچههاشان را بفرستند م دان جنگ. اگر ا بن مادرها آن وقتی که جنازهی بچههاشان م آ مد ا حتی نه آ آمد، آه و ناله م کردند، گله م کردند، قه چاک م زدند، اعتراض به امام و اعتراض به جنگ م کردند، مطمئناً جنگ در همان سالهای اول و در همان مراحل اول زم نگ م شد. نقش مادران شهدا بن است.

همسران صبور شهدا، زنهاي جوان، شوهران جوان خودشان را در آغاز زندگي ش ر بن خانوادگي مورد آرزو از دست بدهند. اولاً راضي بشوند ا بن شوهر جوان بلند شود برود جائی که ممکن است برنگردد؛ بعد هم شهادت او را تحمل کنند؛ بعد هم افتخار کنند، سرشان را بالا بگ رند. ا نها آن نقشهای بید بل است. بعد آنچه که تا امروز ادامه دارد، همسری با جانبازان است. خانمهایی رفتند همسر جانبازان شدند. ک مرد ناقص م وب اح اناً با اخلاق به خاطر وضع جسمی ا اختلالات ناشی از موجرفتنگی و غ ره را انسان به عنوان ک متعهد و ک مسؤل، داوطلبانه و بدون ه چ اجباری برود پذیرا ائاش را به عهده بگ رد، خ لمی فداکاری کرده است. ک وقت شما م گوئ د من م آ م روزی دو ساعت از شما پذیرا م کنم. خب، هر روزی که شما م رو د، او از شما تشکر م کند. ک وقت هست که نخ ر، شما خودتان را به عنوان همسر او توی خانهی او م گذار د؛ شد د بدهکار! یعنی طبعت کارا بن است که با د شما بن کار را بکن د. ا نها بن فداکاری را کردند. اصلاً نه شود نقش زنان را محاسبه کرد.

و من اقرار کنم، اعتراف کنم؛ اول کسی که ا بن نقش را فهم د، امام بزرگوار ما بود - مثل خ لمی چ زهای د مگری که اول او فهم د، در حالی که ه چکدام از ماها نه فهم د م - همچنان که امام نقش مردم را فهم د. امام تأثر و حضور مردم را درک کرد، آن وقتی که ه چ کس درک نه کرد. بزرگانی با ک تعب رات زشتی به ما م گفتند که شما فکر م کن د با هم بن مردم م شود کار بزرگی انجام داد؟! آنچنان با تحق ر حرف م زدند، کأنه اصلاً انسان ن ست آن کسی که

به او اشاره می کنند! امام نه! امام قدر مردم را دانست، مردم را شناخت، تواناها را آنها را درک کرد، کشف کرد، فراخوان داد. امام چون صادق بود، چون سخن از آن دل پاک بزرگ نورانی به روم آمد، اثر گذاشت لذا همه آمدند تویی م دان. آن روزی که روز تشکر بود، از همهی قشرها آمدند تویی که تها دانشجو آمد، استاد آمد، طلبه آمد، عالم طراز بالا آمد، مردم کوچه و بازار آمدند؛ آمدند عضو که تها شدند. آن روزی که نوبت جنگ شد، همه به دستور امام رفتند داخل م دان جنگ شدند. آن روزی که امام در اواخر عمرش فرمود با د برو د، بساز د، درست کن د - استغناء - آمدند وارد م دان سازندگی شدند. آن راهگشاها را تا امروز هم ادامه دارد. به نظر من الان هم هرچه ما داریم در پیش رویم، ضرب دست امام است. ایشان آنچنان این گوی را محکم پرتاب کرده، که حالا حالاها امثال بنده با دست دنیالش بدو می آید. این مردم حرکت کردند. نسل به نسل هم دارد دست به دست می شود.

امام در زه نهی زن هم هم بن جور بود. امام نقش زنان را فهمید؛ و آلا بودند بزرگانی از علما که ما با آنها بگومگو داشته ایم، که اصلاً زنها در تظاهرات شرکت نکنند! آنها می گفتند زنها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی که انسان به او تکیه می داد، خاطر جمع می شد، تا بتواند در مقابل این بنجور نظراتی که از مراکز مهمی هم ارائه می شد، با استدلال حصار رأی امام و فکر امام و عزم امام بود. رحمت خدای متعال تا ابدالابد بن بر این مرد بزرگ باد.

به هر حال نقش زنان، یک نقش بلند می است. پس خود این نقش، اقتضاء می کند؛ چون آمده دارد. تازه از عمر انقلاب، سی و دو سال گذشته. سی و دو سال برای یک انسان هم عمر جوانی است، چه برسد برای یک تاریخ. این نظام الهی با صد سال عمر کند. ما هنوز در اول جوانی لاش هستیم. آمده آماج دارد به این حضور زنانه در مجموعه حضور ملی. پس با سستی ما راجع به مسئله زن و حفظ این ظرفیت که در جامعه ما وجود دارد، تلاش کنیم. این دل اول است برای اینکه با ما به مسئله زن بپردازیم. دل دوم، مسئله خانواده است. گویندگان محترم امشب درباره خانواده بسیار بحثهای خوبی کردند. حقاً بحثها خوب بود. من اگر بخوام داوری کنم، خواهم گفت که متوسط بحثها از سطح خوب بالاتر بود؛ حرفهای درست، آمارهای خوب، استنباطهای خوب، استنتاجهای خوب، از زواای مختلف. یک قضیه چندبعدی را، از هر بعدی، یک صاحب نظری، یک اندشمندی بررسی کرد. نورافکنها را انداخته بدین کوهی این موضوع حساس و مهم. انسان می تواند این زواا را ببیند. ما واقعاً استفاده نکردیم.

بنابراین مسئله خانواده، مسئله بسیار مهمی است؛ یا همی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است. نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دستگردد؛ اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دستگردد؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که از سلولها چرزدگری نیست. هر جهازی، مجموعه سلولهاست. اگر ما توانستیم سلولها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسئله اینقدر اهمیت دارد.

جامعه اسلامی، بدون بهره مندی کشور از نهاد خانوادگی سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد به شرف کند. بالخصوص در زه نهیهای فرهنگی و البته در زه نهیهای فرهنگی، بدون خانوادههای خوب، امکان به شرف نیست. پس خانواده لازم است. حالا نقض نشود که شما می گوید در غرب خانواده نیست، به شرف هم هست. آنچه که امروز در و رانی بناد خانواده در غرب روز به روز بیشتر دارد نمودارهاش ظاهر می شود، اینها اثرش را خواهد بخشید؛ هیچ عجله ای نباشد داشت. حوادث جهانی و حوادث تاریخی اینجور نیست که زودبازده و زوداثر باشد؛ اینها بتدریج اثر خواهد گذاشت؛ کما اینکه تا حالا هم اثر گذاشته. آن روزی که غرب به این به شرفتها دست پیدا کرد، در آنجا هنوز خانواده سر جای خودش بود؛ حتی مسئله جنسیت با همان رعایتهای اخلاقی جنسی - البته نه به شکل اسلامی، بلکه به شکل خاص خودش - وجود داشت. اگر کسی با معارف غربی آشنا باشد، هم در اروپا و هم بعداً در آمریکا این را می بیند و مشاهده می کند. این مسئله رعایتهای اخلاقی دو جنس نسبت به یکدیگر، مسئله حجاب، پرهیز از تهمت، اینها چه زهائی بود که آن روز وجود داشت. این باندوبارها و اباحگرها بتدریج در آنجا به وجود آمده. آن روز که زه نهیهای فراهم شد و به اینجا رسید. وضع امروز هم فردای بسار تلخ و سختی را برای آنها رقم می زند. این هم جهت دوم.

جهت سوم هم این است که در این سی و دو سال، مسئله زن از نظر جبهی دشمنان ما، در یکی از بلانش نهیهای جدول اعتراضها به ماست. از اول انقلاب روی مسئله زن تکیه کردند، به ما اعتراض کردند، در ردیف ترورسیم و در ردیف نقض حقوق بشر قلمداد کردند. هنوز هیچ خبری هم نبود. معلوم هم نبود که جامعه اسلامی با جنس زن چه کار خواهد کرد. آنها شروع کردند که: اسلام علیه زن است، اسلام چنان است. البته این مسئله تا امروز هم ادامه دارد. خوب، ما در

۱ بن زه نه با سستی مواجهه کند، مقابله کند. افکار عمومی جهان را نه شود دستکم گرفت. همه که مغرض نیستند، همه که خبائت ندارند؛ خبائت مال یک عده‌ی خاص است، مال س استگران و س استسازان و برنامهر زن و ا نهاسه ما نبا د اجازه بده م که عامه‌ی مردم دچار ا بن اغوای بزرگ قرار بگ رند؛ لذا با د وارد شو م.

البته ا بن را هم بگوئ م؛ غرب رندانه از ز ر بار طرح مسله‌ی خانواده در م رود. نوب همه‌ی بحثهایی که ا نه م کنند، بحث زن هست، اما اصلاً بحث خانواده نیست. خانواده، نقطه‌ی ضعف غرب است. مسله‌ی زن را مطرح م کنند، اما اصلاً اسم خانواده را نه آورند؛ با ا نکه زن از خانواده جدا نیست. بنابراین رس دن به ا بن مسله، لازم است.

خب، ا بن جلسه هم که خ لمی خوب بود. آنچه که ما در ا بن جلسه فهم د م، علاوه بر استفادهای که از محتوای مطالب دوستان کرد م، مهم ا بن بود که فهم د م در حوزه‌ی زن و خانواده، از لحاظ علمی - کارشناسی، کارهای برزه نمانده الی ماشاءالله دار م. ا بقدر کار برزه بن مانده دار م که بعضی از هم بن به شهادتهایی که دوستان کردند - که مرکز چن نی تشک ل شود، مرکز چنایی تشک ل شود - همهاش درست است؛ با د واقعاً بشود. البته ما قبلاً با دوستانی که در دفتر هستند، آقا و اعظزاده و د گران، درباره‌ی ادامه‌ی کار ا بن نشست در مورد مسله‌ی زن و خانواده صحبت کرد م؛ کارهایی در ذهن دارند. هم در زه نهی مسائل نظر پپردازی کارهای مهمی انشاءالله انجام خواهد گرفت، هم در زه نهی گفتمانسازی، و هم در زه نهی نزد یک کردن ا بن گفتمان به اجرا؛ که البته اگر به صورت گفتمان در آمد، اجرای آن د مگر کار دشواری نیست. معنی همان اشکالاتی که به مجلس و شورای نگهبان و دولت و ع ره دارند، همه‌ی آنها برطرف م شود. گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفس م کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. با ا بن گفتمانسازی انجام بگ رد؛ که البته نقش رسانهها و بالخصوص نقش روحان ون و نقش بزرگان و اسات د دانشگاهی حتماً نقش بارز و مهمی است.

خب، ما با د در ا بن زه نه، خلأهای نظری را پر کن م. نه بچه ا بن خواهد شد که سرما هگذاری پژوهشی در حد طاقت لازم است؛ ا بن را ما تصد ق م کن م. ما با مراجعه‌ی به مقاله‌های دوستان - که چک دهی مقالهها و خود مقالهها را قبلاً به من دادند، من هم یک مروری کردهام - به ا بن نه بچه م رس م که با سستی مجموعه‌ی نظام، سرما هگذاری مهمی در حد طاقت و امکانات خود در زه نهی پژوهش در ا بن مسله بکند.

دوم: بررسی و نقد نظر ههای رائج دن ا، بدون انفعال. ا بن مسله‌ی بدون انفعال، خ لمی مسله‌ی مهمی است. البته من امشب از اول بن سخنران که مطالبی را ب ان کردند، تا آخر، ا بن روح را د م؛ د م نگاه، نگاه انتقادی است به وضعی که در غرب در مورد زن و بخصوص در مورد خانواده وجود دارد. البته انتقادهایی که شما به غرب کرد د، به شتر در زه نهی خانواده بود؛ اما عه دهی من ا بن است که به شتر بن جر مهمی غرب در مسله‌ی زن و خانواده، در نگاهش به زن است؛ و ا بن را با یک جمله و دو جمله نه شود توص ف کرد. بزرگتر بن ضربه و اهانت به کرامت زن را هم بن س است غربی دارد انجام م دهد. هم بن فم ن ستهای افراطی هم - که خب، لا ههای متعددی دارند - من ح م ث لا شعر دارند به زن ضربه م زنند. حالا من ح م ث لا شعر که م گوئ م، نگاه خوشب نانه است - معنی ا نهایی که دستاندر کارند، ظاهراً نه فهمند چه کار دارند م کنند - احتمال دارد س استگذارانی، برنامهر زانی در پشت صحنه هستند که آنها م فهمند دارند چه کار م کنند؛ کما ا نکه ا بن احتمال در همان پروتکل‌های صه ون سم کاملاً به شب نی شده. معنی ضا ح کردن جنس زن و او را مظهری برای استفادهی شهوانی مرد قرار دادن، در مواد آن پروتکلها هست. حالا ممکن است کسی در اعتبار و صحت سند آن پروتکل خدشه کند، لکن وقتی آدم دستگاه صه ون سم و شبکی تبل غاتی صه ون سم را ملاحظه م کند، م ب م ند عملاً هم بن کار م کنند؛ حالا اگر هم برا شان واجب نشده، به نحو مستحب دارند انجام م دهند؛ ملتزمند ا بن کار را بکنند، و دارند م کنند. زن را ضا ح م کنند. معنی آنچنان رسم و عرف و عادت لا تخلف شده که کسانی جرأت نه کنند برخلاف آن رفتار کنند. در یک مجلس رسمی، یک مرد با د با لباس رسمی به ا د؛ پا و ن بزند، قهاس بسته باشد، آست نش هم تا سر مچ باشد؛ نه اجازه دارد شلوارک بپوشد، نه اجازه دارد ت شرت بپوشد؛ اما یک خانم در همان جلسهی رسمی، حتماً با سستی بخشهای مهمی از بدنش عر ان باشد؛ اگر پوش دهی کامل به ا د، محل اشکال است؛ اگر بدون جذابه‌ها به ا د، محل اشکال است؛ اگر آرا شنکرده به ا د، محل اشکال است؛ ا بن شده عرف. افتخار هم م کنند. در غرب، بخصوص در آمر کا و در شمال اروپا - کشورهای اسکاند ناوی - مراکز مهمی وجود دارد که اصلاً بنای کارش بر عرضهی جنسی زن در مقابل مرد است؛ در روزنامهها و مجلات هم تبل غ م شود، ه بچ کس هم اعتراض نه کند؛ ا بن شده عرف، ا بن شده عادت. چه ضربهای برای زن از ا بن بالاتر؛ الگو درست کردن برای زنان به ا بن شکل - زنان خودشان را م گو م، و کشورهای که دنبالهرو آنها ند، نه زنان ما را - یکی از بزرگتر بن ضربه‌هایی است که دارند م زنند. بنابراین نبا د در

مقابل آن فرهنگ غلط انفعال داشت. غرب در قضیه زن و خانواده، در یک گمراهی و ضلالت عمیق به سر می برد. فقط خانواده نیست بلکه در مورد شخصیت زن، هویت زن، غرب در یک گمراهی عجز بی است.

ما با آمدن در آن برسایها، از دارائیهای علمی خودمان - که کم هم نیست - استفاده کنیم. دهها نظر ه و الگوی مترقی در همه زمینه زن و خانواده می شود استخراج کرد. اینها نظر پدیدازی بشود، تئوریزه بشود، با جوانبش، با اجزایش، تدوین بشود و ارائه بشود. اینها کارهای متمدن و بلندمدتی است که حتماً با سستی انجام بگیرد. تعالی هم ناب و مترقی اسلام در قرآن و حدیث با ما مورد استفاده قرار بگیرد.

البته من یک چند تا اید داشت اینجا نوشتهم، اما هم وقت کم است، هم خیلی از حرفها هم بی جا زده شد؛ بنابراین از این نیست که حالا بنده هم آنها را تکرار کنم. از مجموع این چند زبانی که من نوشتم، آنچه که ما میماند اینجا عرض کنم، این است که فوج جمله نگاه اسلام به زن - به حدیث جنس - یک نگاه فوقالعاده متعالی است. به نظر من خیلی از این مشکلات مربوط به بانوان، ناشی است از مشکلات حیات جمعی خانواده، به حدیثی که زن در آن محور است. ما خلأهای قانونی و عاداتی و سنتی عجیب و فراوانی داریم. گاهی اوقات خانمهایی با ما تماس میگیرند - از مجلس، از حوزه، از مراجعات گوناگون مردمی، از مراکز دیگر - و مشکلاتشان را میگویند؛ این مشکلات عمدتاً مربوط به ما میشود. مشکلات داخل خانواده. اگر زن داخل خانواده امنیت روانی داشته باشد، امنیت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سکون داشته باشد، حقاً شوهراً برای او لباس محسوب شود - همچنان که او لباس شوهراًست - و همچنان که قرآن خواسته، مودت و رحمت به زن اینها باشد، و اگر «و لهنّ مثل الَّذی علیهنّ» (2) در خانواده رعایت شود - این چند زبانی که اصول کلی و اساسی است - آنگاه مشکلات به روتن خانواده برای زن قابل تحمل خواهد شد؛ اصلاً برای آنها فائق میآید. اگر زن در آسایشگاه خود، در سنگر اصلی خود، بتواند مشکلات خودش را کاهش بدهد، بلاشک در عرصهی اجتماع هم خواهد توانست.

هم در مسئله خود زن، هم در مسئله خانواده، اسلام حرفهای جالب، برجسته و مهم دارد. اولاً نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجهی دو است؛ نگاه اول و درجهی یک، حدیث انسانیت است؛ که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد. خطاب، انسان است. البته «ایها المؤمنات» است، «ایها المؤمنین» نیست؛ معنی صغیراً «ایها المؤمنات» صغیراً «ایها المؤمنین» است، نه صغیراً زنانه؛ اما این به هیچ وجه به معنای این نیست که در این خطاب، مرد بر زن ترجیح دارد؛ این ناشی از عوامل دیگر است؛ آن عوامل هم برای ما روشن است. حالاً نمیخواهم وارد آن بشوم که چرا ما مثلاً در زبان فارسی جمعیت را میگوئیم مردم؛ از مردم میگوئیم، نه میگوئیم زنم؛ در انگلیسی «HUMAN»، چرا «MAN»؟ این نشانهی این نیست که غلبهی فرهنگ مردانه این را به وجود آورده و در لغت یک چیز تصرفی کرده؛ نه، این یک عوامل دیگر دارد. بالاخره در داخل خانواده، مرد نمایی به روتن است، زن نمایی داخلی است. بخواهیم یک خرده ذوقاً بگوئیم، مرد پوست بادام است، زن مغز بادام است. از این قبیل تعبیرات می شود کرد. مرد ظاهرتر است، ساختمان او انبجوری است؛ خدای متعال او را برای این کار ساخته و پرداخته، زن را برای یک کار دیگر؛ بنابراین بروز و ظهور و نمایش و نمود داشتن در مرد بیشتر است؛ به خاطر همه این خصوصیات، نه به خاطر ترجیح. اما در زمینه مسائل اصلی انسان - که مربوط به انسان است - زن و مرد هیچ فرقی ندارند. خوب، شما ببینید در تقرب الی الله، یک زنی مثل حضرت زهرا، مثل حضرت زینب، مثل حضرت مریم هستند؛ رتبههای فوق تصور امثال ماهاست. در آیهی شریفی سورهی احزاب، زن و مرد هیچ فرقی با هم ندارند؛ شاید اصلاً این هم به خاطر همه این است که خواستند آن تصورات جاهلی مربوط به زن را بگویند: «ان المسلمة بن و المسلمات و المؤمنة بن و المؤمنات و القانتة بن و القانتات و الصادقة بن و الصادقات و الصابرة بن و الصابرات و الخاشعة بن و الخاشعات و المتصدقة بن و المتصدقات و الصائمه بن و الصائمات و الحافظة بن و الذاکرة بن الله کثره او الذاکرات». از اسلام تا ذکر، یک سلسله مدارک متدرجی هم وجود دارد. آدم در این تعبیرات دقت کند، این را بداند کند. «اعد الله لهم مغفرة و اجرا عظیماً». (3) همه جا مرد، زن: مرد خاشع، زن خاشع؛ مرد متصدق، زن متصدق؛ با هم هیچ فرقی ندارند.

در سورهی مبارکهی آل عمران، بعد از آن «ربنا» ها میگویند: «فاستجاب لهم ربهم انی لا اضع عمل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض» (4). مرد و زن هیچ تفاوتی ندارند. حتی یک جا برای کوبیدن همه این اندیشههای جاهلی که عرض کردم، زن را از مرد بالا می کشد؛ که یک چیز در حالتی را جز در مورد اشخاص، انسان در قرآن ذکر نمی کند؛ «ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط». (5) نمودار کفار، این دو تا زنند: «امرات نوح و امرأت لوط». نه نمودار برای زنها؛ نه، برای زن و مرد. «کانتا تحت عبد بن من عبادنا صالح بن فخانتاهما» (6) تا آخر. «و ضرب الله مثلاً

لذ بن ءامنوا امرأت فرعون؛ خدای متعال انجا هم برای مؤمن بن دو تا زن را اسم مآ آورد. حالا شما ببینید از اول تاریخ تا آخر دنیا، چه تعداد مؤمن، اعم از بزرگان، صلحا، اولیاء، انبیا آمدند و رفتند. وقتی مخواهد برای اننها یک نمودار، یک مجسمه، یک نماد معرفی کند، دو تا زن را معرفی مکنند: یکی «امرأت فرعون» - اذ قالت رب این لی عندک بن تا فی الجنۃ و نجنی من فرعون و عمله (7) تا آخر - دوم «و مریم ابنت عمران الی احصنت فرجها فنحننا فیه من روحنا و صدقت بکلمات ربها». (8) اصلاً چه زعج بی است. بنابراین جنسیت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است در کارکردهای زندگی معنا پیدا مکنند، در سه راصلی بشره بیچ تأثری ندارد و معنایی پیدا نمکنند. حتی کارها شان با هم متفاوت است. «جهاد المرأه حسن التبعه»؛ (9) یعنی ثواب مجاهدت آن جوانی را که رفته توی میدان جنگ و جان خودش را کف دستش گرفته، به خاطر انکار، به انکار، به انکار مدهند؛ چون انکار هم زحمتش کمتر از ان نیست. البته شوهرداری خیلی سخت است. با توقعاتشان، با انتظاراتشان، با بد اخلاقهاشان، با صدای کلفتشان، با قد بلند ترشان، خوب، زنی بتواند با ان شرائط، محیط خانه را گرم و گرم و دارای سکنه و آرامش - سکن - قرار بدهد، خیلی هنر بزرگی است ان واقعاً جهاد است ان شعبهای از همان جهاد اکبری است که فرموده اند؛ جهاد با نفس است. حالا در مورد خانواده، حرف خیلی زیاد است. مسئله همسری، مسئله مادری، اننها همهاش با مد تفکک شود. زن در خانواده یک نقش همسری دارد؛ ان نقش همسری، فوقالعاده است ولو اصلاً مادر ای وجود نداشته باشد. فرض کنید زنی است اما بل نیست به زمان، ابه هر دل می امکان زمان برایش وجود ندارد؛ اما همسر است. نقش همسری را نباید دستکم گرفت. ما اگر مخواهیم ان مرد در داخل جامعه یک موجود مفیدی باشد، با ان زن در داخل خانه همسر خوبی باشد؛ و آلا نمیشود.

ما در دوران مبارزه و بعد از دوران مبارزه، دوران پروزه انقلاب، آزمایش کردیم مردانی که همسران همراه داشتند، هم در مبارزه توانستند پا دار بمانند، هم بعد از انقلاب توانستند خط درست را ادامه بدهند. البته عکسش هم بود. من گاهی به ان دخترها و پسرهایی که آمدند خطبهای عقدشان را مخواندم - آن وقتهایی که مخواندم؛ حالا که توفیق ندارم - مگفتم خیلی از خانمها هستند که شوهرهاشان را اهل بهشت مکنند؛ خیلی خانمها هم هستند که شوهرانشان را اهل جهنم مکنند؛ دست آنهاست. البته مردها هم ممانهم بن نقش را دارند. در باب خانواده، نقش مردها را هم با سستی نادیده نگرفت. بنابراین نقش همسری، یک نقش بسیار مهمی است. بعد هم نقش مادری است که خوب، انجا مفصل بانات می بحث زیاد است.

از جمله مسائل که مطرح مشود، مسئله اشتغال بانوان است. اشتغال بانوان از جمله بیچ زهائی است که ما با ان موافقیم. بنده با انواع مشارکتهای اجتماعی موافقم؛ حالا چه از نوع اشتغال اقتصادی باشد، چه از نوع اشتغال سیاسی و اجتماعی و فعالتهای خروخواهانه و از ان قبل باشد؛ اننها هم خوب است. زنها نصف جامعه اند و خیلی خوب است که اگر ما بتوانیم از ان زن مجامعه در زمه نبی انگونه مسائل استفاده کنیم؛ منتها دوسه تا اصل را با بدند مگرفت. یک اصل ان است که ان کار اساسی را - که کار خانه و خانواده و همسر و کدبانوی و مادری است - تحتالشعاع قرار ندهد. ممشود هم. به نظرم مرسد مواردی داشتهیم که خانمهایی انطور عمل مکردند. البته یک قدری به آنها سخت مگذرد؛ هم درس خواندند، هم درس دادند، هم خانهداری کردند، بیچه آوردند، بزرگ کردند، تربیت کردند. پس ما با ان اشتغال و مشارکتی کاملاً موافق هستیم که به ان قضیه اصلی ضربه و صدمه نزنند؛ چون انجا گزین ندارد. شما اگر بیچه خودتان را در خانه تربیت نکردید، اگر بیچه نآوردید، اگر تارهای فوقالعاده ظرف عواطف او را - که از نخهای ابر شمش ظرفیتر است - با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقدهی [عاطفی] نشود، هیچ کس نمیتواند ان کار را بکند؛ نه پدرش، و نه به طریق اولی دیگران فقط کار مادر است. انکارها، کار مادر است اما ان شغلی که شما بیرون دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آنجا ستاده اند و ان کار را انجام خواهند داد. بنابراین اولویت با ان کاری است که بدلیل ندارد؛ تعین با ان است.

آن وقت هم بنجا وظیفهای بر دوش دولت است. با بد به ان خانمهایی که حالا به هر دلیلی، به هر جهتی، با هر ضرورتی، کار تماموقت انمهوقت را قبول کرده اند، کمک بشود تا بتوانند به مسئله مادری برسند، به مسئله خانهداری برسند. با مرخصیها، با زمان بازنشستگی، با مدت کار روزانه، به نحوی با سستی دولت کمک کند تا ان خانمی که حالا به هر دلیلی آمده انجا شاغل شده، بتواند به ان قضیه هم برسد.

دوم بن مسئله، مسئله محرم و نامحرم است. مسئله محرم و نامحرم در اسلام جدی است. البته بخش عمدهای از ان بن قضیه محرم و نامحرم باز بر مگردد به خانواده. یعنی چشم پاک و دل بوسوسه و ریب برای هر یک از زوج بن

موجب می شود که محط خانواده از طرف او تقویت و گرم شود؛ مثل یک کانون گرمابخشی، محط را گرم می کند. اگر آن طرف مقابل هم همین چشم پاک و دل خالی از وسوسه را داشت، طبعاً بن دوجانبه خواهد شد و محط می شود محط کانون خانوادگی گرم و بامحبت. اگر چنانچه نه، چشم خائن، دست خائن، زبان دو وجه، دل بلامحبت و بلااعتقاد به همسری وجود داشت، ولو ظاهر ساز لهایی هم باشد، محط خانواده سرد می شود.

در مقالات دوستان خواندم که هم بن برون رفتنها و هم بن اشتغالات و اینها موجب می شود که گاهی سوءظنهای بجا به وجود می آید. لکن فرقی نمی کند؛ بالاخره اگر سوءظن پیدا شد، چه سوءظن، مستند درستی داشته باشد، چه نداشته باشد، اثر خودش را می بخشد؛ مثل گلولههایی است که از این لوله برون می آید؛ اگر توی سینه کسی خورد، می کشد؛ چه این شخص عامد باشد، چه اشتبهاً دستش رفته باشد روی ماشه. گلوله فرقی نمی گذارد. گلوله نخواهد گفت چون کسی که من را شلک کرد، عامد نبود، پس من سینه ای بن طرف مقابل را ندرم نه، گلوله می درد. این سوءظن کار خودش را می کند؛ چه منشأ درستی داشته باشد، چه ناشی از وسواس و مثلاً تصورات و توهمات بجا باشد.

یک نکته هم مسئله ازدواج است. ازدواج یک تقدسی دارد از نظر ادانی که حالا من می شناسم. من در این خصوص، تفحص زیادی نکردم. بد هم نیست که بعضی از دوستان آمادگی به کار در این زمینه نه تفحص کنند. غالباً مراسم ازدواج، یک مراسم مذهبی است؛ مسجدها آن را توی کلاس انجام می دهند، هودها آن را در کنائشان انجام می دهند؛ مسلمانها هم اگر چه در مسجد انجام نمی دهند، اما اگر بتوانند، در مشاهد مشرفه، والا در امام متبرک دینی و عمدتاً به وسایلی رجالی دین، این را انجام می دهند. رجالی دینی هم وقتی برای ازدواج نشست، مبالغی دین باین می کند. بنابراین صبغه کاملاً صبغی دینی است. ازدواج یک جنبه قدسی دارد؛ این جنبه قدسی را نباید از آن گرفت. گرفتن جنبه قدسی به هم بن کارهای زشتی است که متأسفانه در جامعه ما رائج شده. این مهریهایی سنگ بن به خیال آنکه می تواند پشتوانی حفظ خانواده و حفظ زوجیت باشد، تعین می شود؛ در حالی که اینجور نیست. حداکثر این است که شوهر از دادن امتناع می کند، می بردنش زندان یک سال، دو سال زندان می ماند. در این اقدام، به زن چیزی نمی رسد؛ او بهرهای نمی برد، جز اینکه کانون خانوادهاش هم متلاشی می شود. اینکه در اسلام از حضرت امام حسن بن علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود ما دخترانمان و خواهرانمان و همسرانمان را جز با مهرالسنه عقد نکردیم، به خاطر این است و آلا می توانستند. اگر امام حسن بن می خواست مثلاً با هزار دینار هم عقد بکند، می توانست لازم نبود مثلاً با پانصد درهم - دوازده و نیم اوقه - می داد به این کار بشود. آنها می توانستند، اما کمش کردند. این کم کردن، با یک محاسبه است این خیالی خوب است.

اینهم بن تشریفات زائد ازدواج - خرجهای زیاد، مجالس متعدد - که واقعاً انسان دلش می گدرد وقتی می شنود. اینها از آن مواردی است که گفتمانسازی می خواهد. خانمهای مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه، روحانان، بخصوص صدا و سیمای رسانهها با این در این زمینه آنها کار کنند؛ این را از این حالت برون بیاورند.

یک کلمه هم درباره نقش مردان عرض کنم. در خانواده می گفته می شود نقش زن. دلش هم واضح است چون زن در خانواده عنصر محوری است. اما اینجور نیست که مرد در خانواده وظیفه و مسئولیت و نقشی نداشته باشد. مردهای بلخالی، مردهای بلاعاطفه، مردهای عاقل، مردهای قدرشناس زحمات زن خانه، اینها به محط خانه لطمه می زنند. مرد با قدردان باشد. جامعه با قدردان باشد. حتماً با سستی بر روی کارزنهای خاندان ارزشگذاری و ژه بشود. بعضی می توانستند بروند کار بگردند، بعضی می توانستند تحصیلات عالی بکنند، بعضی تحصیلات عالی هم داشتند - من در این زمانی را از این قبل - گفتند ما می خواهیم این بچه را بزرگ کنیم، خوب تربیت کنیم، نرفته می کار بگردیم. زن نرفته کار بگردد، آن کار هم زه بن نمانده؛ آن ده نفر دیگر رفتند آن کار را گرفتند. با این در اینجور زنی قدردانی شود. در بانای که حضرات فرمودند، این بود که مثلاً به مهیایی برای اینها در نظر گرفته شود. بله، تا بن اقتصادشان، به مهیشان، به مهیایی چه زهائی که لازم است، با این در نظر گرفته شود.

فرزندان هم نقش دارند. یکی از مهمترین بخشهای خانواده، فرزندانند؛ نقش آنها هم احترام به والدین است. که در این حال اینهم داستان مفصلی است.

به هر حال از شما تشکر می کنم. من از این جلسه راضی هستم. الحمدلله جلسهی خوبی بود. انشاءالله خداوند هم از همی ما راضی باشد و زحماتی که کشیدید، منظور نظر حضرت بقه الله (ارواحنا فداه) باشد و کار هم انشاءالله دنبال شود و دنبال می شود. یک طرح خوبی هم در زمینه سستی کار بن نالمللی در خصوص زن مطرح شد، که حالا مجال نشد درباره این صحبت کنیم. من آن طرح را دیدم و آن را تأیید می کنم. از نظرات خانمی هم که درباره مسائل

ب نالملی صحبت کردند، ه شود استفاده کرد. خوب است ک کار ب نالملی در زم نهی زنان انجام بگ رد.

خداوند متعال به همهی شماها خ ر بدهد. پروردگارا! رحمت و فضل و هدایت خودت را بر ا بن جمع نازل کن.
پروردگارا! آنچه گفته م و شنید م و انجام داد م و خواه م داد، برای خودت و در راه خودت و خالصاً و مخلصاً قرار
بده. پروردگارا! آن را از ما قبول بفرما. پروردگارا! توفیقات خودت را بر ا بن جمع و بر همهی ملت ا ران و بخصوص بر
مسئولانی که در ا بن زم نه مسئول تهایی ز ادی دارند، نازل بفرما.
والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

- (1) توبه: 118
- (2) بقره: 228
- (3) احزاب: 35
- (4) آل عمران: 195
- (5) تحر م: 10
- (6) تحر م: 10
- (7) تحر م: 11
- (8) تحر م: 12
- (9) کافی، ج 5، ص 9